

• دریافت ۹۸/۰۴/۳۱

• تأیید ۹۸/۱۰/۲۰

ارزیابی مؤلفه‌های ساختاری مقاله‌های مجله

«نقد ادب عربی»

حسین کیانی*

شهلا جعفری**

چکیده

ارزیابی مقاله‌های منتشرشده در مجله‌ها براساس معیارهای اصولی و ضابطه‌مند امری ضروری جهت پیشرفت چرخه حیات علمی و ایجاد چشم‌اندازی نوین برای نگارش مقاله‌ها به‌شمار می‌رود. در پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه طراحی شده، ۶۳ مقاله مجله «نقد ادب عربی» را با روش تحلیل محتوای ترکیبی نقد و ارزیابی کرده‌ایم.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقاله‌ها از سال ۸۹ تا ۹۴ در مؤلفه‌های ساختاری روند روبه‌رشدی دارند اما در سال‌های ۹۴ و ۹۵ این روند سیر نزولی پیدا کرده و سپس سال ۹۶ و ۹۷ مؤلفه‌های ساختاری رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. بررسی انطباق ساختار مقاله‌ها با معیارهای مطلوب مقاله‌های علمی - پژوهشی معلوم می‌دارد که ساختار مقاله‌ها در قسمت سؤال، پیشینه، روش پژوهش و علت انتخاب آن، چگونگی جمع و تحلیل مواد پژوهش و نتیجه با معیارهای مقاله‌های علمی - پژوهشی مطابقت ندارد. نتیجه پژوهش حکایت از آن دارد که نویسندگان الگوی ساختاری منسجمی در اختیار نداشته‌اند و ساختار مقاله‌ها را برپایه آنچه خود آموزش دیده‌اند تنظیم کرده‌اند. ضعف موجود را می‌توان ناشی از بی‌توجهی به معیارهای ساختاری در آموزش‌های دانشگاهی دانست و از طرفی دیگر مشخص نبودن الگوی جامع ساختاری مقاله علمی - پژوهشی از سوی سردبیران و داوران از دیگر عوامل برجسته شدن این مشکل در مقاله‌هاست؛ بنابراین در پژوهش حاضر مدل مفهومی ساختار مقاله‌های علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی را پیشنهاد داده‌ایم.

واژگان کلیدی: ارزیابی مقاله، مؤلفه‌های ساختاری، مجله نقد ادب عربی، دانشگاه شهید بهشتی.

hkyaanee@shirazu.ac.ir

* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

sh.jafary90@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

معیارهای ارزیابی رویکرد ساختاری مقاله‌ها اصول و ویژگی‌هایی هستند که با ساختار و بنیان اصلی نگارش مقاله‌ها منطبقند و از معیارهای سنجشی و ضابطه‌های تعیین‌کننده چارچوب مقاله‌نویسی به‌شمار می‌آیند. ارزیابی ساختاری مقاله‌ها سنجه‌ای برای تحلیل سطح کیفی آن‌هاست و سبب نگرش جدید پژوهشگران به نگارش مقاله‌های آینده خواهد شد. نظریه این‌که ساختار، شالوده اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد و ارزیابی مقاله‌ها به‌منزله راهبردی مدیریتی کنش و اثربخشی واقعی آن‌ها را نمایان می‌سازد و باتوجه به این‌که مراکز پژوهشی یا مجله‌ها نسبت به معیارهای ارزیابی مقاله‌ها رویکردهای متفاوتی دارند؛ بنابراین نیاز به الگو یا مدلی منسجم هست تا با آن، سنجش عینی و هدفمندی صورت بگیرد؛ بر همین اساس، پرسشنامه طراحی شده در این پژوهش، شاخص‌های ارزیابی رویکرد ساختاری نگارش مقاله (عنوان، چکیده، مقدمه، پیشینه، روش، بدنه اصلی، نتایج و منابع) با زیرشاخه‌های آن‌ها را دربرمی‌گیرد؛ بدین ترتیب در این پژوهش بر آنیم تا تعداد ۶۳ مقاله مجله علمی-پژوهشی «نقد ادب عربی» را مطابق پرسشنامه و با در نظر گرفتن رویکردی ساختاری نقد و ارزیابی کنیم تا امتیازها و کاستی‌هایشان را تبیین کنیم و برای ارتقای سطح کیفی پژوهش‌های آینده راهکار ارائه دهیم. این پژوهشنامه دوفصلنامه است و از سال ۱۳۸۹ در دانشگاه شهید بهشتی کار خویش را آغاز کرده و با چاپ مقاله‌های حوزه نقد ادب عربی همچنان به فعالیت پژوهشی خود ادامه می‌دهد. گفتنی است که واژه انتقاد در این مقاله به معنای منفی آن نیست بلکه معنای خاص آن یعنی «نقد علمی مد نظر است که به معنای ارزیابی و داوری علمی همراه با تحلیل نقاط قوت و ضعف است» (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۹).

۲-۱. هدف پژوهش

از آنجا که دانش نقد در پی ارزش‌سنجی و ارزش‌گذاری آثار علمی است تا به بالا بردن کیفیت دانش کمک کند، در این مقاله به دنبال ارزیابی مؤلفه‌های ساختاری مقاله‌های مجله «نقد ادب عربی» در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ هستیم و از این طریق تلاش می‌کنیم تا پس از تحلیل وضعیت موجود، راهکارهایی جهت رسیدن به الگوی منسجم ساختاری به دست دهیم.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

در این مقاله درصددیم تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهیم:

۱. وضعیت مقاله‌های مجله در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۷ براساس شاخص‌های ارزیابی ساختار مقاله‌های پژوهشی چگونه است؟
۲. راهکارها و پیشنهاد‌های دستیابی به وضعیت مطلوب چیست؟

۴-۱. ضرورت پژوهش

گرچه افزایش دستاوردهای علمی و پژوهش‌های دانشگاهی در عصر گسترش اطلاعات، مهم‌ترین معیارهای سنجش علمی یک جامعه محسوب می‌شود؛ اما این پژوهش‌ها زمانی در چرخه تولید دانش قرار می‌گیرند که ساختار و محتوایشان ارزیابی شود و امتیازها و کاستی‌های آن‌ها مشخص گردد. هدف از بیان نقاط قوت و ضعف، پرهیز از تکرار کاستی‌ها و در نتیجه رشد سطح علمی پژوهش‌هاست. تحلیل انتقادی و به‌کارگیری معیارهای اصولی و ضابطه‌مند در نگارش مقاله‌ها امری ضروری است که بایستی بدان همت گماشت؛ بنابراین کاربست نقد و تحلیل مقاله‌های منتشرشده در مجله‌ها سبب ارتقای کیفی آن‌ها می‌شود و گامی جدید برای شکل‌دهی چارچوب علمی آینده‌پژوهی مجله خواهد بود؛ به عبارت دیگر، «نقد تولیدات علمی در هر قالبی با در نظر گرفتن معیارها و اصول آن، از فعالیت‌های اساسی نویسندگان و پژوهشگران

به‌منظور حفظ پویایی و پالایش دانش تولیدشده در جوامع علمی، دانشگاهی است» (سلیمانزاده نجفی، ۱۳۹۳: ۲۴۰). اهمیت این نوشتار زمانی آشکار می‌شود که چشم‌اندازی نوین و دیدگاهی اصلاحی بر یک اندیشه به‌شمار آید و سبب گسترش زاویه دید نویسندگان مقاله‌ها در آینده شود.

۱-۵. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی را که در گستره زبان و ادبیات عربی به ارزیابی مقاله‌های برخی از نشریه‌ها اهتمام ورزیده‌اند، می‌توان به سه حوزه کلی تقسیم کرد:

الف) حوزه اول پژوهش‌هایی که یک یا چند مقوله از اجزای مقاله را بررسی کرده‌اند یا به‌صورت موضوعی چندین مقاله را سنجیده‌اند.

ب) حوزه دوم پژوهش‌هایی است که با استفاده از رویکرد استنادی، مقاله‌های علمی-پژوهشی را ارزیابی کرده‌اند. تمرکز این مقاله‌ها بر معیارهایی است که اثربخشی نوشته‌های پژوهشی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و میزان استفاده از مقاله‌ها براساس میزان استناددهی پژوهشگران به آن‌ها مشخص می‌شود.

ج) حوزه سوم پژوهش‌هایی است که به نقد مقاله‌های یک مجله خاص توجه می‌کند.

۱-۵-۱. حوزه اول

عسکری (۱۳۸۹) در مقاله خویش معیارهایی از جمله محدود و محصور بودن موضوع و تنظیم عنوان مناسب را برای مقاله‌ها پیشنهاد کرده و با بررسی معیارهای مذکور در بیش از ۸۰ مقاله چاپ‌شده در مجله‌های معتبر زبان و ادبیات عربی کاستی‌هایی همچون تکراری بودن موضوع، طولانی و مبهم بودن عنوان را برای بسیاری از مقاله‌ها برشمرده است. او علت این امر را ناآگاهی کامل نویسندگان از مبانی روش تحقیق می‌داند. این پژوهش فقط دو مورد از معیارهای ارزیابی ساختاری مقاله‌های

علمی - پژوهشی را بررسی کرده و جامعه آماری آن، مجله‌های علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی کشور است. تمرکز بر دو موضوع در تمام مجله‌های علمی - پژوهشی کشور نمی‌تواند تصویری روشن از ارزیابی ساختاری ارائه دهد. هرچند مقاله در تبیین این دو موضوع موفق عمل کرده است ولی جامعیت نداشته و ضرورت دارد تا معیارهای دیگر ارزیابی مقاله‌های پژوهشی نیز بررسی شود.

عسکری در پژوهشی دیگر (۱۳۹۰)، با رویکردی مشابه پژوهش پیش‌گفته‌اش مباحث فرعی و عنوان‌های داخلی بیش از ۸۰ مقاله علمی - پژوهشی انتشاریافته در مجله‌های معتبر زبان و ادبیات عربی را ارزیابی کرده است و نداشتن عنوان‌بندی داخلی، عناوین مبهم، تکراری و کلیشه‌ای را از جمله ایرادهای اساسی مقاله‌ها می‌داند. این مقاله نیز مانند مقاله پیشین دو موضوع در ارزیابی معیارهای ساختاری مقاله را بررسی کرده است. این دو موضوع در قسمت ارزیابی بدنه اصلی مقاله با عنوان «گویایی و نظم عناوین» و «نظم و انسجام منطقی مطالب» بررسی شده است. تفاوت پژوهش مذکور با پژوهش قبلی در انتخاب جامعه آماری است؛ به‌گونه‌ای که دامنه پژوهش قبل بسیار وسیع است و رسیدن به اطلاعات دقیق در پژوهش‌هایی با دامنه گسترده بسی سخت و دست نیافتنی است.

عسکری در دیگر مقاله خود (۱۳۹۲) ضمن ارائه برخی از معیارهای روش پژوهش در ادبیات تطبیقی به بررسی انتخاب موضوع و تنظیم عناوین فرعی مقالات تطبیقی چاپ‌شده در مشهورترین مجله‌های معتبر پژوهشی کشور توجه کرده است. وی مهم‌ترین کاستی‌های موجود در مقاله‌ها را نداشتن نگاه تطبیقی در مرحله انتخاب موضوع و مرحله تنظیم عناوین داخلی می‌داند. این پژوهش نویسنده با پژوهش‌های سال ۸۹ و ۹۰ ایشان در بررسی انتخاب موضوع و تنظیم عناوین فرعی هم‌پوشانی دارد. عسکری در مقاله‌های پیشین خود تمام مجله‌ها و مقاله‌های علمی - پژوهشی کشور در عرصه زبان و ادبیات عربی را جامعه آماری خود معرفی کرده، اما در این پژوهش تأکید ایشان بر مقاله‌های ادبیات تطبیقی است.

کیانی و نظری (۱۳۹۵) تحلیل انتقادی اجزای اصلی مقاله‌های نگاشته‌شده در موضوع سبک‌شناسی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ را محور کار قرارداده‌اند. نویسندگان با روش تحلیل محتوای کمی و از طریق پرسشنامه و آمار توصیفی، اجزای اصلی ۸ مقاله را ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین کاستی مقاله‌ها در مقدمه نمود یافته که مربوط به سؤال یا فرضیه، پیشینه و روش پژوهش، روش جمع‌آوری مواد پژوهش و تحلیل داده‌هاست. این تحقیق از نظر بررسی معیارهای ارزیابی ساختار مقاله با پژوهش ما هماهنگ است؛ با این تفاوت که موضوعی مربوط به حوزه نقد را ماده پژوهش خود قرارداده است.

۱-۵-۲. حوزه دوم

این حوزه شامل مقاله‌های استنادی است که غالباً برخی از اعضای هیأت علمی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (isc) و پژوهشگران علم اطلاعات بدان توجه دارند.

تحقیقی از عسگری (۱۳۹۱)، نقد منابع استنادی بیش از ۸۵ مقاله پژوهشی زبان و ادبیات عربی چاپ‌شده در مجله‌های معتبر کشور را در برمی‌گیرد و بیانگر آن است که در این زمینه مقاله‌های اندکی استانداردهای لازم را دارند؛ اما خلاً اصلی این مقاله‌ها استناد ندادن به منابع دست اول و متنوع است. وی علت اصلی این امر را کمبود منابع و کاهش انگیزه علمی پژوهشگران می‌داند. این پژوهش با رویکرد استنادی به‌انجام رسیده و با پژوهش ما از نظر رویکرد ارزیابی متفاوت است. تمرکز پژوهش‌های استنادی بر معیارهایی است که اثربخشی نوشته‌های پژوهشی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد اما مقاله پژوهشی در رویکردهای ساختاری ارزیابی براساس ساختارش ارزیابی می‌گردد تا میزان مطابقت آن با معیارهای ساختاری ارزیابی مشخص شود.

احمدی (۱۳۹۲) تحلیل استنادی و روابط هم‌نویسندگی مقاله‌های منتشرشده در شماره‌های ۲۰-۱ مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی را گستره کار خویش قرار داده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بیشترین استنادها به کتاب و کمترین آن‌ها به مقاله‌ها اختصاص دارد؛ همچنین یادآور شده است که ضریب تأثیر مجله و میزان روابط علمی نویسندگان در سطح پایینی قرار دارد.

در پژوهشی مشابه پژوهش قبلی علی‌نژاد چمازکتی و همکارانش (۱۳۹۳)، شاخص‌های هم‌تألیفی در مقاله‌های انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲ را بررسی و به پایین بودن ضریب مشارکت در این دو سال اشاره کرده‌اند که این امر از ضعیف بودن همکاری گروهی نویسندگان این مجله حکایت می‌کند؛ نگارندگان همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که کتاب بیشترین میزان استناددهی و پایان‌نامه کمترین میزان را داراست.

نظری (۱۳۹۵)، تعداد ۳۹۲ مقاله علمی-پژوهشی مربوط به ادبیات معاصر عربی را در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ در محورهایی چون هم‌نویسندگی، جنسیت، ماده و موضوع پژوهش مورد مذاقه قرار داده و به این نتیجه رسیده است که مقاله‌ها از نظر توجه به دهه‌های تاریخی و موضوعات مورد مطالعه گرفتار ناهمگونی و تکرار مکررات شده‌اند. این پژوهش با رویکرد استنادی، رفتار استنادی پژوهشگران را کاویده که با روش مقاله حاضر متفاوت است.

کهن‌دل جهرمی و همکاران وی (۱۳۹۶)، از منظر مضمونی چهار مجله فهرست‌شده در isc را ارزیابی کرده‌اند که از این میان «مجله الجمعیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها»، بیشترین ضریب تأثیر را در میان مجله‌های مورد بررسی داشته و تنوع موضوعاتی و میزان استفاده از منابع استنادی و میزان مشارکت نویسندگان، مهم‌ترین مواردی بوده که در این مجله‌ها بر آن تمرکز شده است.

صیادانی و همکارانش (۱۳۹۶)، به بررسی محتوایی و آماری دوفصلنامه نقد ادب

معاصر عربی، چاپ دانشگاه یزد، همت گماشته و تعداد نویسندگان، میزان هم‌تألیفی میان آن‌ها و مؤسسات فعال در مجله و... را سنجیده‌اند. یافته‌های ایشان بیانگر آن است که جامعه آماری بیشتر پژوهش‌های مذکور را نویسندگان مرد تشکیل می‌دهد. در تحقیقی مشابه تحقیق قبلی غیبی و همکاران او (۱۳۹۷) با ارزیابی تحلیل محتوایی و آماری مقاله‌های مجله «أفاق الحضارة الاسلامیه» جلد ۱۳ تا عدد اول جلد ۱۹، به یافته‌هایی شبیه یافته‌های پژوهش صیادانی و همکارانش دست یافته‌اند.

۱-۵-۳. حوزه سوم

میرزایی و همکارانش (۱۳۸۷)، مقاله‌های شماره ۱ تا ۱۰ مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی را بررسی کردند و نبود مسئله علمی و چکیده رسا، وجود ابهام و نارسایی زبان نوشتاری و استناد ندادن به مقالات علمی را از کاستی‌های مقاله‌ها معرفی کرده‌اند.

طاهری‌نیا و بخشی (۱۳۸۸)، مقاله‌های حوزه زبان و ادبیات عربی را در ده مجله پژوهشی علوم انسانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۲، ارزیابی کمی و کیفی و به سیر صعودی تنوع موضوعی مقاله‌ها اشاره کرده‌اند. نگارندگان نداشتن عنوان علمی مناسب، ضعف پیشینه‌نویسی، نبود مسئله پژوهش و غفلت از منابع روزآمد را از جمله ایرادهای مقاله‌ها برشمرده‌اند. این دو پیشینه به شکل کلی و بدون تکیه بر معیارهای خاصی در ارزیابی مقاله، به‌نگارش درآمده است و نویسندگان با تکیه بر تجربیات شخصی و کتاب‌های روش تحقیق بر نقد و تحلیل مقاله متمرکز شده‌اند.

نامداری (۱۳۹۷) ساختار شش مقاله چاپ‌شده در حوزه ادبیات معاصر در مجله ادب عربی دانشگاه تهران را براساس استانداردهای مقاله‌های علمی-پژوهشی موردنقد و سنجش قراردادده است. وی کلی بودن عنوان، ضعف کلیدواژه، نداشتن

روش و هدف پژوهش در چکیده را از نقاط ضعف مقاله‌ها و رویکرد انتقادی و تحلیل محور، استناد به منابع معتبر و انطباق محتوای اثر با عنوان را از نقاط قوت مقاله‌های این مجله دانسته است.

۱-۵-۴. تحلیل پیشینه پژوهش

تحلیل تحقیقات صورت گرفته در حوزه نخست نشان می‌دهد که در گستره موضوعی خاص یا بررسی یک یا چند مقوله از اجزای مقاله بوده و بیشتر به صورت متن پژوهانه و توصیفی بیان شده است. به جز کیانی و نظری (۱۳۹۵) که با استفاده از روش محتوای کمی و کیفی، اجزای اصلی مقاله‌ها را تحلیل کرده‌اند؛ معیارهای ارزشیابی و نقد مقاله‌ها مبتنی بر الگویی منسجم نیست و نویسندگان براساس تجربه شخصی و کتاب‌های روش تحقیق اقدام به پژوهش کرده‌اند؛ اما از آنجاکه بیشتر این پژوهش‌ها پیشگام و سرآغاز جنبش ارزیابی و نقد مقاله‌ها به‌شمار می‌آیند اهمیت دارند.

از مرور پیشینه تحقیقات حوزه دوم می‌توان نتیجه گرفت که این پژوهش‌ها با رویکرد استنادی صورت گرفته و تفاوت آن‌ها با مقاله حاضر در انتخاب رویکرد ارزیابی مقاله‌های علمی است. علت هم آن است که اغلب نویسندگان این‌گونه پژوهش‌ها معمولاً اعضای هیأت علمی پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (isc) یا پژوهشگران علم اطلاعات و دانش‌شناسی هستند که با توجه به تخصص یا پیشینه تجربی دانش خود به این امر اهتمام کرده‌اند؛ همچنین جنبه آماری این مقاله‌ها به اقتضای حیطه پژوهش بر جنبه تحلیلی آن‌ها غلبه دارد. از نقاط قوت تحقیقات این حوزه آن است که در نتیجه‌گیری، پیشینه پژوهش را بررسی کرده‌اند.

نگاهی به تحقیق‌های حوزه سوم که به اهداف مقاله حاضر نزدیک‌تر است، روشن می‌سازد که اگرچه آسیب‌شناسی وضعیت کنونی مقاله‌های مورد بررسی از نقاط قوت این پژوهش‌ها به‌شمار می‌آید اما بیشتر نویسندگان فقط تعدادی اندک از مقاله‌ها را به

منزله جامعه مورد ارزیابی خویش انتخاب کرده و بیشتر به جنبه شکلی و آماری توجه کرده‌اند؛ چنان‌که تحلیل کیفی عناصر مقاله‌ها اندک و در چند سطر بیان شده؛ همچنین ابزار گردآوری داده‌های آنان به درستی مشخص نشده است؛ درحالی‌که پژوهش حاضر ۶۳ مقاله مجله نقد ادب عربی را در حوزه‌های موضوعی متفاوت و به روش تحلیل محتوای ترکیبی (کمی و کیفی) ارزیابی ساختاری کرده و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است که روایی و پایایی آن تأیید شده است.

۱-۶. روش پژوهش

پژوهش ما براساس روش تحلیل محتوای ترکیبی و با رویکرد نقد کارکردگرایانه صورت گرفته که «بر ارزش‌گذاری اثر ادبی بر مبنای توفیق برای دستیابی به اهداف خاص مبتنی است» (قاسمی‌پور، ۱۳۹۶: ۷۳). تحلیل محتوا «یک روش منظم برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای ارتباطات است و با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به کار می‌رود» (رسولی و آتسانی، ۱۳۹۰: ۲۶).

گرچه داده‌های این مقاله از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با نرم‌افزار اکسل به داده‌های کمی تبدیل شدند اما نظریه این که «هر تجزیه و تحلیل کمی (آماري) را نمی‌توان بدون محک عقل و منطق پذیرفت» (حافظانیا، ۱۳۹۱: ۲۶۹)؛ بنابراین برای تکمیل اطلاعات خود از روش تحلیل محتوای کیفی نیز بهره گرفته‌ایم. لازم به ذکر است که تحلیل داده‌های آماری به دو شیوه کلی (سالانه) و جزئی (داخلی) صورت گرفته است.

این پژوهش شامل ارزیابی ۶۳ مقاله علمی - پژوهشی چاپ‌شده در مجله «نقد ادب عربی» است که تا پایان سال ۱۳۹۷ روی سایت مجله دانشگاه شهید بهشتی بارگذاری شده‌اند. آغاز به کار این پژوهشنامه از پاییز ۱۳۸۹ و در یک شماره بوده است و پس از آن سالانه در دو شماره همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. شمار کلی

مقاله‌های این مجله، ۱۲۶ عدد است اما از آنجاکه امکان ارزیابی این حجم از مقالات، محدودیت‌هایی به دنبال داشت؛ با استفاده از فرمول کوکران در نهایت ۶۳ مقاله به‌منزله حجم نمونه انتخاب شد. درخصوص چگونگی انتخاب ترتیب مقاله‌ها از روش منظم یا سیستماتیک استفاده شد که «به‌طور ثابت فاصله عددی نمونه را مشخص می‌کند» (همان: ۱۵۰)؛ بدین‌گونه که از تقسیم تعداد کل مقاله‌ها بر تعداد نمونه عدد ثابت ۲ به دست آمد؛ به عبارت دیگر، فاصله بین مقاله‌های انتخابی در هر شماره عدد ۲ است. انتخاب روش سیستماتیک به این دلیل است تا حجم نمونه‌ها به‌طور منظم در سراسر جامعه آماری (۱۲۶ مقاله) پراکنده باشد.

۱-۶-۱. ابزار پژوهش

ابزار پژوهش پرسشنامه‌ای است که شاخص‌های ارزیابی ساختاری مقاله‌های پژوهشی شامل عنوان، چکیده، مقدمه، روش پژوهش، بدنه اصلی، نتایج و منابع را ارزیابی می‌کند. برای بررسی مقالات با محور قرار دادن هریک از اجزای آن‌ها جدول‌هایی طراحی و جهت ارزیابی هر قسمت شاخص‌هایی تعریف شد. برای هر کدام از قسمت‌های مقاله خانه‌هایی تعیین شد. هر خانه شامل سه گزینه «دارد کامل»، «دارد ناقص» و «ندارد» است که به شکل یک فهرست انتخاب (منو) بازشونده قابلیت گزینش دارد. در صورتی که گزینه «دارد ناقص» گزینش شود، علت این نقص در قسمت ارزیابی بیان می‌گردد.

در جدول بررسی نتیجه مقاله‌ها گزینه‌ها به صورت چندانتخابی طراحی شده است. گزینه‌های پاسخ به سؤال مقاله، جمع‌آوری تحلیل‌های مقاله و مقایسه نتیجه تحقیق با نتایج سایر پژوهش‌ها در پرسشنامه قرار داده شد. در جدول بررسی منابع مقالات، گزینه‌ها به شکل پیش فرض شامل اعداد یک تا پنجاه است که در قالب فهرست انتخاب‌های بازشونده طراحی شده است. پس از این که پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد،

داده‌های استخراج‌شده با کمک نرم‌افزار اکسل تحلیل و بررسی آماری و در قالب نمودارها ارائه شد.

تعیین اعتبار روایی ابزار پژوهش براساس روش اعتبار محتواست. «روایی محتوا برای یک ابزار اندازه‌گیری، مبین آن است که ابزار مزبور ناظر به محتوای موضوع موردنظر است و با آن انطباق دارد... روایی محتوا به داوری متکی است. تهیه‌کننده پرسش‌ها و هرکسی که به‌نحوی، روی وارد بودن و نافذ بودن پرسش‌ها نظر می‌دهد، درحقیقت به‌نوعی داوری می‌پردازد» (رضویه، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۵) بر طبق آنچه گفتیم نویسندگان این مقاله پس از بررسی پیشینه تحقیق و فرم‌های نقد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نیز فرم‌های داوری مجله‌های علمی- پژوهشی کشور و مراجعه به کتاب‌های روش تحقیق و مقاله‌نویسی، پرسشنامه‌ای با تأکید بر ارزیابی ساختاری مقاله‌های پژوهشی تهیه کردند و جهت داوری در اختیار شش نفر از استادان متخصص روش تحقیق در رشته زبان و ادبیات عربی، آموزش زبان انگلیسی، علوم تربیتی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار دادند و پس از تأیید از طرف آنان پرسشنامه در گروه عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ارائه و پس از تصحیح ایرادهای شورا برای نقد مقاله معرفی شد.

روش جمع‌آوری داده‌ها مطابق کدگذاری مقاله‌ها به‌انجام رسید که شامل سال انتشار و شماره مجله است؛ مثلاً (۱۳۹۷/۴)، به مقاله‌ای اشاره دارد که در مجله شماره ۴ و در سال ۱۳۹۷ چاپ شده است. گردآوری داده‌ها از راه پرسشنامه و تحلیل داده‌های کمی به کمک نرم افزار Excel صورت گرفته است؛ سپس داده‌های کیفی به کمک داده‌های کمی، تحلیل شده‌اند؛ زیرا «داده‌های کمی می‌توانند برآورد تعمیم‌پذیری داده‌های کیفی را آسان نمایند و در طول مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها، داده‌های کیفی می‌توانند نقش مؤثری در تفسیر، تشریح، توضیح و اعتباردهی به نتایج ایفا کنند» (خاکی، ۱۳۹۳: ۹۰).

۲. معیارهای ارزیابی ساختاری مقاله‌های پژوهشی

تحقیقاتی که برای ارزیابی مقاله‌های علمی- پژوهشی در ایران صورت گرفته‌اند، نشان می‌دهند که این دسته از پژوهش‌ها سه رویکرد ساختاری، استنادی و محتوایی به ارزیابی مقاله‌های علمی- پژوهشی داشته‌اند. با وجود مباحث علمی در زمینه معیارهای ساختاری ارزیابی مقالات علمی- پژوهشی هنوز درباره بهترین ابزارها و معیارهای سنجش مقاله‌ها، اتفاق نظر وجود ندارد (فتاحی، ۱۳۹۸). دلیل این امر به ماهیت رشته‌های علمی برمی‌گردد؛ بنابراین لازم است برپایه ویژگی هر رشته علمی و براساس معیارهای تعریف‌شده در هر رشته تخصصی ملاک‌هایی برای ارزیابی ساختاری ارائه داد.

مطالعه مقاله‌هایی که به ارزیابی ساختاری پژوهش‌های علمی همت گماشته‌اند، نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها در حوزه حسابداری و علم اطلاعات و دانش‌شناسی و پزشکی و... است (سعادت، ۱۳۹۶ و نمازی، ۱۳۹۷ و نوکاریزی، ۱۳۹۳). ساختارهای معرفی شده در این مقاله‌ها عنوان، چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه، مبانی نظری و مرور پیشینه، روش اجر، نتایج حاصل از تحقیق، بحث و ارزیابی، نتیجه نهایی، پیشنهادها و منابع است.

ساختار معرفی شده در این مقالات برای پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی مناسب نیست؛ چراکه شاید کمتر از ده درصد تحقیقات زبان و ادبیات عربی این شیوه را انتخاب کرده‌اند؛ مثلاً در پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی مقدمه شامل شش عنصر (بیان مسئله، هدف، سؤال، پیشینه، روش و ضرورت) است، اما در بیشتر مقاله‌های علمی- پژوهشی پیشینه و روش پژوهش مبحث جداگانه‌ای است.

با بررسی مقاله‌های چاپ‌شده در حوزه زبان و ادبیات عربی در دهه‌های اخیر می‌توان چهارچوب ساختاری مقالات را استخراج و برای بهبود آن باتوجه به مطالعات جدید پیشنهاد ارائه داد؛ بنابراین پس از جستجو و پژوهش، «عنوان، چکیده، مقدمه،

روش پژوهش، بدنه اصلی، نتایج و منابع» هفت مؤلفه ساختاری تشکیل دهنده پرسشنامه قرار داده شد.

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. عنوان

نظریه این که عنوان مقاله جلوه‌ای از هویت اثر و اولین قسمت از مقاله است که خواننده با آن روبه‌رو می‌شود، باید «دقیق، خاص، تمام‌نما، قابل فهم و حاوی مفاهیم اصلی مقاله باشد. همچنین موضوع اصلی مقاله را نشان دهد؛ به گونه‌ای که معرّف مقاله باشد» (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۰). در پرسشنامه شاخصه‌های ارزیابی عنوان مقاله‌ها در سه مقوله «مسئله‌محوری»، «ایجاز» و «وضوح» بیان شده است. عنوان مقالات در سال‌های ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۵ و ۹۷ بیانگر وضوح ۱۰۰٪ آن‌هاست. سال‌های ۸۹، ۹۳ و ۹۶ وضوح عنوان مقاله‌ها ۸۶٪ گزارش می‌شود. سال ۹۴ به دلیل کلی بودن موضوع مقالات و مشخص نبودن دامنه پژوهش، معیار وضوح با آمار ۷۳٪، کمتر از دیگر سال‌ها مورد توجه قرار گرفته است. آمارها نشان می‌دهد که وضوح از جمله مزیت‌های عنوان‌هاست که در ۹۱٪ مقاله‌ها برجستگی دارد.

منظور از ایجاز آن است که عنوان مقاله گسترده، طولانی و دارای واژگان اضافی نباشد بلکه به گونه‌ای انتخاب شود که حداکثر اطلاعات را در حداقل کلمات به اذهان خوانندگان متبادر کند. براساس یافته‌های پژوهش، سال‌های ۹۱، ۹۳ و ۹۶ از نظر رعایت ویژگی ایجاز، بهتر از سال‌های دیگر بوده‌اند؛ مقالات سال ۹۴ بیشترین کاستی را در این زمینه داشته است. با بررسی مؤلفه ایجاز مشخص شد که ۷۳٪ مقاله‌ها ویژگی ایجاز دارند. علت نبود ایجاز ذکر واژگان زائد در عنوان مقاله است؛ آن‌سان که ابتدای برخی از عناوین، واژه‌های «بررسی»، «بررسی و تحلیل»، «بررسی تطبیقی» و... به کار رفته است. باتوجه به این که مقاله خود گویای بررسی موضوع است؛ بنابراین

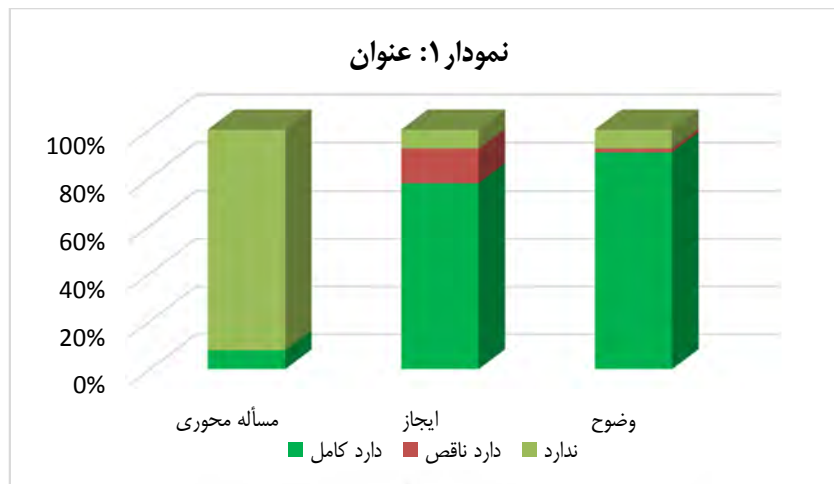
به ذکر واژه «بررسی» یا «تحلیل» نیازی نیست یا در مواردی که مقایسه بین دو مقوله صورت گرفته است، صرف مقایسه مفهوم «بررسی تطبیقی» را یادآور می‌شود.

نکته اساسی در این قسمت مربوط به «مسئله‌محوری» است؛ تا آنجا که تنها برخی عنوان‌ها در سال‌های ۹۰، ۹۲، ۹۳ و ۹۶ از مسئله‌محور بودن آن‌ها حکایت می‌کند که از این میان، سال ۹۶ سرآمد است. بررسی آماری مقالات نشان می‌دهد که به‌طورکلی سال ۹۶ در شاخص عنوان موفق‌تر از بقیه سال‌ها بوده است.

با عنایت به این که «امروزه مسأله، رکن اصلی هر پژوهش علمی به‌شمار می‌رود» (رضی، ۱۳۹۱: ۱۴)، اهمیت مسئله‌محوری بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. این در حالی است که بسامد مقاله‌های موضوع‌محور بسیار بیشتر از مقاله‌های مسئله‌محور است؛ گرچه موضوع‌محور بودن عنوان‌ها جزو تقایص و کاستی‌های مقالات به‌شمار نمی‌آید و راه را برای پژوهش مسئله‌محور هموار می‌سازد، اما با توجه به سرعت دستیابی به اطلاعات آزاد در پایگاه‌های اطلاعاتی، لازم است گردانندگان مجله توجه بیشتری به موضوع مسئله‌محوری مقاله‌ها داشته باشند.

تحقیقات مسئله‌محور در گستره ادبیات و علوم انسانی آنچنان جدی گرفته نشده است یا این که بسیاری از پژوهشگران با اصول و شیوه‌های این‌گونه پژوهش‌ها آشنایی ندارند. غلبه جنبه آموزشی مقاله‌ها بر جنبه کاربردی و رویکردگرایانه آن‌ها و کلی و عام بودن عنوان و موضوع‌های پژوهشی چونان سدّی در برابر مسئله‌محور بودن مقالات است. غفلت نویسندگان نسبت به شیوه صحیح نگارش پیشینه یا بسنده کردن ایشان به نگارش مروری و موضوعی پیشینه‌ها به مسئله‌محور نبودن مقاله‌ها دامن زده است؛ چراکه وقتی در یک پژوهش دارای ساختار منطقی، نتایج تحقیق‌های پیشین، گردآوری گردو نشان داده شود که پژوهش‌ها با یکدیگر در ارتباطند، شکاف و خلأهای پژوهشی آشکار خواهد شد؛ بدین ترتیب مسئله پژوهش در چارچوب مشخصی قرار می‌گیرد و مقاله به سمت مسئله‌محوری سوق داده می‌شود (ر.ک.

موسی‌پور، ۱۳۸۸: ۵۹-۶۰).



۳-۲. چکیده

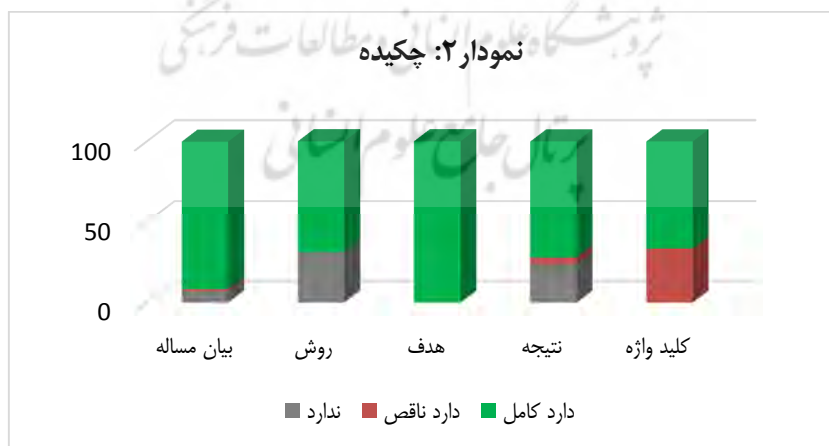
چکیده آینه تمام‌نمای مقاله است و در بردارنده پیام اساسی آن است؛ به عبارتی دیگر چرایی، چگونگی و چپستی روند مقاله را آشکار می‌سازد. چکیده مقاله ابزار مهمی در اطلاع‌رسانی است و نگارش اصولی و درست چکیده نقش زیادی در راهنمایی پژوهشگران برای دستیابی به موضوع دارد. «چکیده بایستی محصول هضم‌شده تمام مقاله و حاوی عصاره آن و دارای معنای مستقل باشد» (هال، ۱۳۷۸: ۶۰). چکیده باید تصویری روشن از محتوای مقاله به خواننده ارائه دهد و خواننده را به خواندن متن اصلی تشویق کند و اجزای آن باید متناسب با ساختار اصلی مقاله باشد (منصوریان، ۱۳۸۸: ۶۹).

بیان مسئله، روش، هدف، نتیجه و کلیدواژه از جمله شاخص‌های ساختاری ارزشیابی چکیده در پرسشنامه است. ضعیف‌ترین عملکرد در روش، نتیجه و کلیدواژه مربوط به سال ۸۹ است. با بررسی مقاله‌های این سال کاستی نویسندگان در پردازش مسئله، روش و نتیجه پژوهش نیز مشخص شد. آمارها نشان داد مقالاتی که خالی از

سؤال پژوهشی هستند. هم نتیجه‌گیری درستی ارائه نداده‌اند و هم در پردازش نتیجه در بخش چکیده موفق نبوده‌اند. بیشترین کاستی مقاله‌های سال ۹۱ و ۹۵ در بیان مسئله، نتیجه و ترتیب منطقی کلیدواژه‌هاست. سال ۹۰ و ۹۴ در بیان مسئله، سال ۹۲ در به‌کارگیری درست کلیدواژه، سال ۹۳ و ۹۶ در ذکر نتیجه پژوهش و سال ۹۷ در روش پژوهش، عملکردی مناسب داشته‌اند. گفتنی است رعایت نشدن ترتیب منطقی کلیدواژه‌ها در سال ۸۹ و پس از آن سال ۹۱ نمود بیشتری یافته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین شاخص‌های ارزیابی چکیده شاخص هدف، بیشتر (۱۰۰٪) و شاخص کلیدواژه کمتر (۶۰٪) از سایر شاخص‌ها مورد توجه نویسندگان بوده است. از بین سایر شاخص‌ها بیان مسئله با ۹۲٪، نتیجه با ۷۸٪ و روش با ۶۹٪، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. علت این که شاخص کلیدواژه در رتبه آخر قرار گرفته به این امر برمی‌گردد که اهمیت کلیدواژه برای پژوهشگران و سردبیران و داوران مجله به‌خوبی روشن نشده است. با توجه به این که امروزه ضریب تأثیر مجله در رتبه‌بندی آن اثر دارد و کلیدواژه‌ها نقشی اساسی در ارزیابی مقاله دارند، لازم است نویسندگان کلیدواژه‌هایی انتخاب کنند که ارتباط موضوعی با محتوای مقاله داشته و توصیفگرهای بسیار خوبی در پایگاه‌های اطلاعاتی باشند.

نمودار ۲: چکیده



۳-۳. مقدمه

مقدمه خطامشی پژوهش را تعیین می‌کند؛ یعنی به‌نوعی فضاسازی برای ورود به عرصه تحقیق است. «مقدمه سرآغاز بحث علمی می‌باشد که پژوهش را در قالب یک تئوری گسترده قرار می‌دهد و نشان‌دهنده‌ی خلأ اطلاعات بین نویسنده و خواننده است» (ابوالحسنی، ۱۳۸۱: ۶۶)؛ بنابراین هدف مقدمه، بیان موضوع و پرسش پژوهش است. تبیین موضوع، هدف، ضرورت، پیشینه و سؤال از شاخص‌های بررسی شده در مقدمه مقاله‌هاست.

ارزیابی مقالات حاکی از آن است که ۵۰٪ مقاله‌های سال ۸۹ در سؤال پژوهش و تبیین موضوع و پیشینه پژوهش با معیارهای تعیین شده در روش تحقیق مطابقت ندارد. در مقابل، نویسندگان مقالات سال ۹۶ و ۹۷ در شاخص‌های پیش‌گفته موفق عمل کرده‌اند؛ به‌صورتی که در تبیین موضوع با آمار ۱۰۰٪ و سؤال‌های پژوهش ۸۳٪، سرآمد دیگر سال‌ها بوده‌اند؛ اما پیشینه مقاله‌های سال ۹۶ متفاوت از سال‌های قبل و به‌صورت تحلیلی نوشته شده است. ایراد اساسی دیگر سال‌ها به‌ترتیب در ضعف پیشینه‌نویسی، غفلت از نگارش صحیح سؤال‌های پژوهش و تبیین موضوع است.

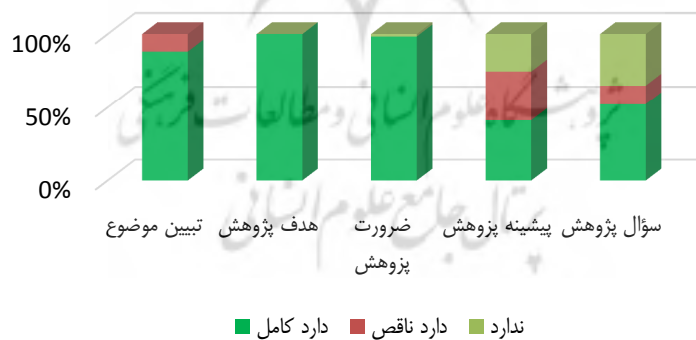
در قسمت مقدمه، نویسندگان در ذکر هدف پژوهش موفق‌تر از دیگر مؤلفه‌ها عمل کرده‌اند؛ آنچنان‌که هدف پژوهش با آمار ۱۰۰٪، پربسامدترین بخش مقدمه است و پس از آن ضرورت پژوهش با آمار ۹۸٪ قرار می‌گیرد.

نمودار (۳) نشان می‌دهد که بیشترین کاستی مقالات به‌طور کلی در پیشینه و سؤال پژوهش تبلور یافته است؛ زیرا ساختار واحدی بر پیشینه‌نویسی در مجله حاکم نیست و پیشینه‌ها بر اساس تقویم زمانی یا موضوعی ارائه نشده است و پیوند پیشینه با موضوع مقاله به‌روشنی مشخص نیست. از دلایل ضعف پیشینه می‌توان به نبود شناخت جامع و مانع از مسئله پژوهش و به دنبال آن آگاهی نداشتن نویسندگان از

اهمیت پیشینه‌نویسی اشاره کرد؛ مثل ندانستن این نکته که پیشینه بر سؤال‌های پژوهش تأثیرگذار است. با استفاده از تنظیم درست پیشینه و ارزشیابی و نقد آن می‌توان سؤال‌های درستی در پژوهش داشت؛ زیرا پژوهشگر با تحلیل و نقد پیشینه خلأهای پژوهشی را کشف و باتوجه به آن سؤال طرح می‌کند.

سؤال‌های تحقیق همچنین از مسئله تحقیق سرچشمه می‌گیرد و بر تحلیل مطالب و نتیجه پژوهش نیز تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین پرسش‌های پژوهش باید به‌گونه‌ای مطرح شوند که توصیف، تشریح و دلایل کافی برای پاسخگویی داشته باشند. «ضابطه انتخاب سؤال، بدیع بودن و این‌که معطوف به مسائل حیاتی باشد. همچنین سؤال‌ها باید بسیط باشد و درعین حال سطحی و شبه‌سؤال نباشد» (گرچی، بی‌تا: ۲۵). باین که ۶۵٪ مقالات بررسی شده دربردارنده سؤال پژوهشند، اما برخی مقاله‌ها (۱۲٪) منطق طرح پرسش پاسخ‌پذیر را رعایت نکرده‌اند؛ به عبارت دیگر، سؤال‌هایی را پی‌افکنده‌اند که پاسخ مبسوطی ندارد و به «بله» و «خیر» منجر می‌شود.

نمودار ۳: مقدمه



۳-۴. روش پژوهش

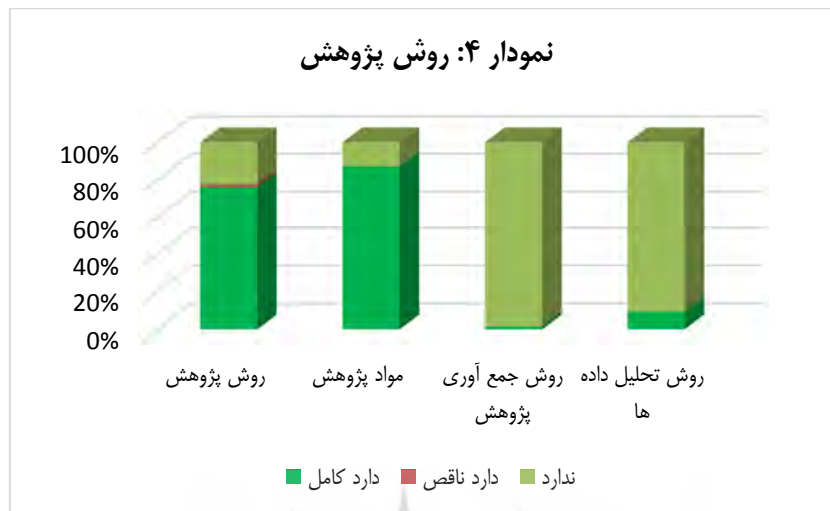
روش پژوهش به‌مثابه فلسفه پژوهش و چارچوبی برای ارائه چگونگی تجزیه و تحلیل داده‌هاست که در آن پژوهشگر باید «جزئیات شیوه اجرای پژوهش را توصیف کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). معیار انتخاب یک روش قبل از هر چیز به تناسب آن با اهداف پژوهش بستگی دارد. درواقع این هدف پژوهش و پرسش‌های آن است که نوع روش را تعیین می‌کند. بالین‌حال، توانایی پژوهشگر در بیان دلایل انتخاب روش و دفاع از آن کاملاً اهمیت دارد؛ بنابراین تبیین دقیق روش مورد استفاده و دلایل انتخاب آن از ویژگی‌های مهم مقاله علمی محسوب می‌گردد (ر. ک. منصوریان، ۱۳۸۸: ۷۲).

روش و مواد پژوهش و شیوه جمع‌آوری این مواد و روش تحلیل داده‌ها شاخص‌های مطرح‌شده در پرسشنامه است. مقاله‌های سال ۹۶ و ۹۷ در بیان نوع روش و مشخص کردن مواد پژوهش با آمار ۱۰۰٪ کاملاً با معیارهای تعریف‌شده در روش تحقیق مطابق است. در این مقوله سال ۸۹، سال آغاز به کار مجله، وضعیت مطلوبی ندارد؛ چنان‌که تنها ۵۰٪ مقالات به روش پژوهش اشاره کرده‌اند؛ همچنین ایراد اساسی مقاله‌ها در بازه زمانی ۹۰ تا ۹۳ به‌ترتیب در روش گردآوری مواد پژوهش و روش تحلیل داده‌ها، روش و مواد پژوهش نمایان شده است. از سال ۹۴ به بعد روش تحلیل داده‌ها مورد توجه قرار گرفته؛ اما هنوز به جایگاه مطلوب نرسیده است.

نمودار (۴) بیانگر آن است که ۷۶٪ مقالات به روش پژوهش اشاره کرده‌اند. روش پژوهش غالب آن‌ها توصیفی - تحلیلی (تحلیلی - توصیفی) گزارش شده است که این امر از موضوع‌محور بودن مقاله‌ها نشأت می‌گیرد؛ بنابراین روش پژوهش با مسئله و هدف آن در ارتباط است. «به‌منظور انتخاب روش تحقیق، باید مسأله و هدف پژوهشی به‌دقت مطالعه شود و از مقایسه و مقابله آنها با هدف‌های روش‌های گوناگون تحقیق، روش پژوهش مناسبی انتخاب شود» (نادری و نراقی، ۱۳۹۵:

۲۰۰۶-۲۰۰۷). بیشتر مقالات فقط به ذکر روش پژوهش اشاره کرده و تعریف مختصری از روش انتخابی ارائه نداده‌اند؛ همچنین برخی از آن‌ها باین که روششان توصیفی-تحلیلی است اما جنبه تحلیلی‌شان کمرنگ است و فقط به توصیف بسنده کرده‌اند. مواد پژوهش در ۸۱٪ مقاله‌ها ذکر شده است. طرح عنوان عام و کلی از سوی نویسندگان می‌تواند بر ذکر مواد پژوهش در بستر مقاله تأثیرگذار باشد؛ به‌همین دلیل بررسی‌ها نشان می‌دهد در مقالاتی که عنوان‌های کلی داشتند، به تبیین مواد پژوهش توجهی نشده است.

مقاله‌های بررسی‌شده به‌ترتیب از نظر روش جمع‌آوری مواد و روش تحلیل داده‌ها عملکرد مناسبی ندارند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر، انتخاب نادرست روش پژوهش باشد. نویسندگان در برخی مقاله‌ها به روش توصیفی تکیه کرده‌اند که به نوبه خود بر تحلیل داده‌ها و انتخاب روش آن‌ها اثر می‌گذارد؛ چراکه «محقق در پژوهش توصیفی سعی می‌کند تا «آنچه هست» را بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد» (نادری و نراقی، ۱۳۹۵: ۴۴). از دیگر عوامل غفلت پژوهشگران نسبت به دو مؤلفه یادشده کیفیت تصور آنان است که «بیشتر گمان می‌کنند تجزیه و تحلیل داده‌ها و روش جمع‌آوری آنها تنها مختص شیوه آماری است؛ در صورتی که چنین نیست و این شیوه فقط یکی از راه‌های مهم تجزیه و تحلیل است» (حافظانیا، ۱۳۹۱: ۲۶۷)؛ بنابراین معیارهای دیگری نیز در تجزیه و تحلیل‌های کیفی و کمی وجود دارد که از موضوع این مقاله خارج است.



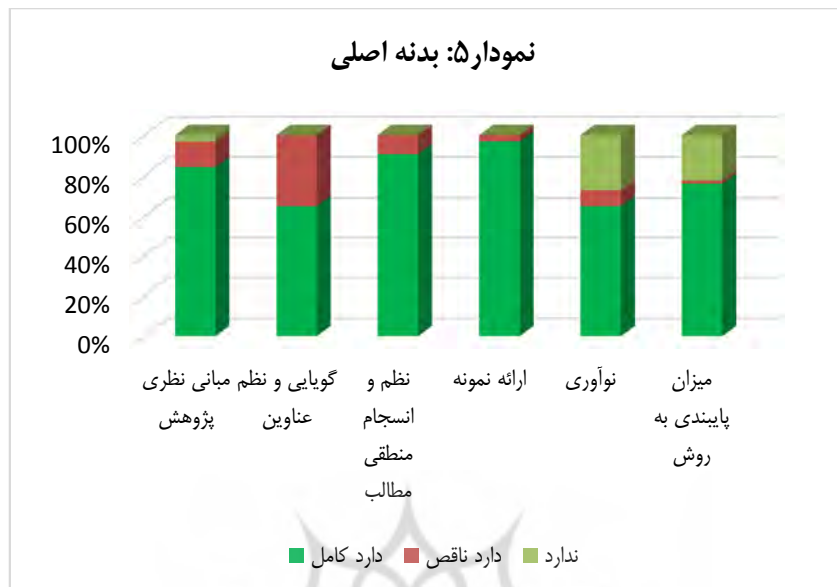
۳-۵. بدنه اصلی

بدنه اصلی هسته اصلی پژوهش و در بردارنده مطالب اساسی و گواه ادعای نویسنده است. در این بخش داده‌ها باید برطبق نظم منطقی تحلیل شوند. مبانی نظری پژوهش، گویایی و نظم عنوان‌ها، نظم و انسجام منطقی مطالب، ارائه نمونه‌ها، نوآوری، میزان پابندی به روش پژوهش از شاخص‌های تعریف‌شده بدنه اصلی در پرسشنامه است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های ساختاری ارزیابی بدنه، مقاله‌های سال ۹۶ و ۹۷ در تمام مقوله‌ها آمار ۱۰۰٪ را دارند. در مبانی نظری پژوهش در سال ۸۹ و ۹۴، گویایی و نظم عنوان‌ها در سال ۸۹ و ۹۲، نظم و انسجام منطقی مطالب در سال ۹۴، نوآوری در سال ۹۱ و ۹۳، میزان پابندی به روش به ترتیب در سال‌های ۹۴ و ۹۵ ضعیف بوده‌اند. اوج نوآوری مقالات در سال ۹۶ جلوه‌گر شده است. با نگاهی به مقاله‌های این سال درمی‌یابیم که محور بیشتر آن‌ها مسئله‌ای خاص است. روش پژوهشی نویسندگان غیر از روش توصیفی - تحلیلی بوده

است. نگارش پیشینه تحلیلی - انتقادی در این سال رشد داشته است. نظم و انسجام منطقی مطالب و گویایی و نظم عنوان‌ها نیز بسامد بالایی داشته است. همه موارد یادشده می‌تواند گواه مدّعی نوآوری مقاله‌های سال ۹۶ باشد. به‌طورکلی در ارزیابی شاخص‌های ساختاری بدنه اصلی، مؤلفان مقالات در سال ۹۶ و ۹۷ نسبت به سال‌های دیگر عملکرد بسیار خوبی داشتند.

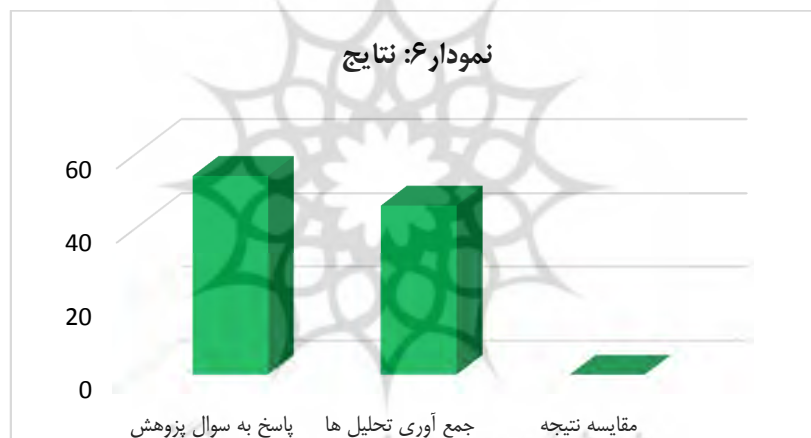
آمارها حکایت از آن دارد که عملکرد موفق مقاله‌ها به‌ترتیب در ارائه نمونه‌ها ۹۷٪، نظم و انسجام منطقی مطالب ۹۲٪، مبانی نظری پژوهش ۸۴٪، میزان پایبندی به روش پژوهش ۷۶٪، نوآوری، گویایی و نظم عنوان‌ها به نسبت مساوی ۶۵٪. این مقدار توجه به مؤلفه‌های ساختاری بدنه اصلی، مقالات را در وضعیت مطلوبی قرار داده است اما هنوز در برخی مقوله‌ها به‌ویژه نوآوری و گویایی و نظم عنوان کاستی‌هایی وجود دارد که باید بر آن‌ها تمرکز کرد. منظور از نوآوری آن است که مقاله «در عرصه علم اعم از موضوع، روش تحقیق، نتیجه، روش‌شناسی، گویایی و نظم عنوان‌ها و حتی اصالت در کاربردپذیری نتایج و اصالت در استمرار یعنی زمینه‌سازی پژوهش‌های گسترده، فرآیند یا تکنیک بکر و جدید داشته باشد» (منصوریان، ۱۳۸۹: ۱۴۰)؛ بنابراین اصالت و نوآوری در مقالات مجله شهید بهشتی براساس جنبه‌های ساختاری ارزیابی شده است؛ همچنین ذکر پیشینه تحلیلی، انتقادی و استنتاجی و میزان استناددهی به منابع روزآمد می‌تواند مؤید نوآوری مقاله‌ها باشد. مقالاتی که عنوانشان نظم و گویایی مناسبی نداشت یا عناوین اصلیشان مبهم و کلی یا دامنه پژوهش آن‌ها گسترده بود، عنوان‌های فرعی نیز گویایی و نظم مناسبی نداشتند.



۳-۶. نتیجه

نتیجه مقاله از یک سو به مسئله تحقیق جهت می‌دهد که این امر به صورت پاسخ به مسئله یا به شکل تحلیل داده‌ها نمود می‌یابد و از سوی دیگر پژوهش صورت گرفته را با تحقیقات گذشته مقایسه می‌کند تا معلوم دارد پژوهش‌های دیگر، موضوع کنونی را پوشش داده و خلأ پژوهشی موجود از بین رفته است؛ زیرا «استناد به نتایج پژوهش‌ها یکی از لوازم تحقیق است و صحیح و صادقانه بودن آن از الزامات پژوهش محسوب می‌شود» (موسی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۹)؛ بنابر آنچه گفتیم بررسی مقالات مجله نقد ادب عربی براساس سه شاخص پاسخ به سؤال‌های پژوهش، گردآوری تحلیل‌ها و مقایسه نتایج نشان می‌دهد که ۵۴٪ مقاله‌ها پاسخگوی سؤال‌های پژوهش بوده‌اند و ۴۶٪ آن‌ها به جمع‌آوری تحلیل‌های اجرا شده در بدنه اصلی اهتمام کرده‌اند؛ اما این که هیچ کدام از مقاله‌ها یافته‌های پژوهش را تحلیل نکرده‌اند، همچنان یک اشکال اساسی به شمار می‌آید که گریبانگیر مقاله‌های علوم انسانی به‌ویژه ادبیات است؛

در صورتی که «یافته‌های مربوط به پژوهش باید با نتایج حاصل از پژوهش‌های قبلی مقایسه شود و وجوه تشابه و اختلاف آن‌ها به‌روشنی بیان گردد» (سرمد، ۱۳۷۶: ۳۲۴). در ریشه‌یابی این امر می‌توان گفت که مقایسه نتیجه‌ها با پیشینه پژوهش در ارتباط است؛ این در حالی است که بیشتر نویسندگان به پیشینه موضوعی و فهرستی بسنده کرده و از توجه به جنبه استنتاجی غافل مانده‌اند؛ همچنین بررسی‌ها بیان می‌دارد پژوهش‌هایی که نتیجه‌شان به شکل گردآوری تحلیل‌هاست، از دو حالت خارج نیستند: یا به مسئله پژوهش اشاره نکرده‌اند یا سؤال‌های پژوهشی آن‌ها سطحی و پاسخشان روشن است.



۳-۷. منابع

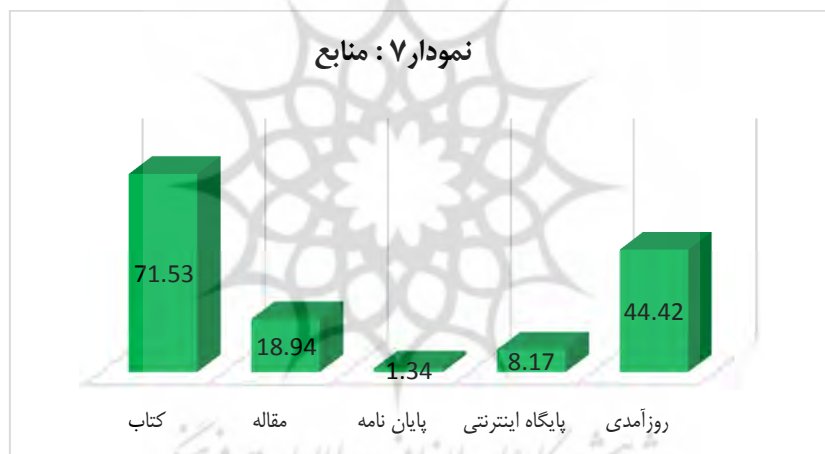
منابع اسناد و مدارکی هستند که برای تأیید و اعتبار داده‌های مقاله و همچنین هدایت خوانندگان به سرچشمه اصلی یافته‌ها به کار می‌روند. شاخص‌های ارزیابی منابع در پرسشنامه مبتنی بر تعداد منابع و تنوع آن‌ها (کتاب، مجله، پایان‌نامه و پایگاه اطلاعاتی) و روزآمدیشان مشخص شده است. نویسندگان در سال ۸۹ کمترین استقبال را از منابع روزآمد داشته‌اند، در شرایطی

که دسترسی به منابع اطلاعاتی و پایان‌نامه‌ها در مقایسه با سال‌های پس از خود با چالش فراوانی روبه‌رو بوده است. بالاترین درصد روزآمد بودن منابع از سال ۹۲ و با آمار ۲۵٪ گزارش شده و پس از آن نیز روند نزولی داشته است.

از منظر استناد به پایان‌نامه‌ها سال‌های ۹۳ و ۹۷، پایگاه‌های اطلاعاتی ۹۲ و ۹۵ و استفاده از مجله‌ها ۹۴ و ۹۶ پیشگام بوده‌اند؛ درمقابل نویسندگان در استناد به پایان‌نامه‌ها در سال‌های ۹۱، ۹، ۹۵ و ۹۶، پایگاه‌های اطلاعاتی در ۹۳ و در استفاده از مجله‌ها در ۸۹ ضعیف عمل کرده‌اند. بیشترین منابع مورد استفاده به ترتیب مربوط به سال ۹۴ و ۹۱ و کمترین آن‌ها مربوط به سال ۸۹ و ۹۱ بوده است.

نمودار (۷) نشان می‌دهد که نویسندگان در جامعه مورد پژوهش خویش به تعداد ۱۵۷۹ منبع اسناد داده‌اند. از جهت تنوع منابع، استناددهی به کتاب رتبه نخست را داشته است. در کنار استفاده از کتاب که در پژوهش‌های ادبی مورد توجه بوده، از مقاله‌های روزآمد استفاده کمتری شده است. باتوجه به این که ضریب تأثیر مجله را بر اساس مقاله‌های به‌روز می‌سنجند، استفاده از مقاله برای بالابردن ضریب تأثیر مجله لازم است. از سوی دیگر توجه صرف به کتاب باعث منفعل شدن پژوهشگران و محدود شدن آرا و نظرات ایشان به حیطه تحلیل‌های خالی از انتقاد و در نتیجه قرارگرفتن دستاوردهای علمی در چارچوب مرزهای علمی دهه‌های گذشته می‌شود. این امر به سهم خود بر روزآمدی استنادها تأثیر می‌گذارد و چنان که بررسی مقاله‌های مجله «نقد ادب عربی» نشان داد موجب می‌گردد تا نویسندگان به مقوله روزآمدی کمتر توجه کنند؛ همچنین پایان‌نامه، پایگاه اطلاعاتی و مجلات به ترتیب کمترین میزان استناددهی را به خود اختصاص داده‌اند. چه بسا اندک بودن استناددهی به پایان‌نامه‌ها به این دلیل باشد که نمایه‌سازی آن‌ها کم و دسترسی بدان‌ها دشوار است؛ به عبارت دیگر بیشتر پایان‌نامه‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های دانشگاهی فهرست نشده‌اند. «محبوس ماندن محتوای پایان‌نامه‌ها در قالب اولیه و

در مکان ارائه خود، دسترسی هدف اصلی تولید دانش داخلی و دسترس‌پذیری آن را غیرممکن می‌سازد» (دیانی، ۱۳۷۹: ۱۲۱). پایگاه‌های اطلاعاتی نیز به دو دلیل در رده‌های بعدی استناد قرار گرفته‌اند: نخست این که مطمئن نبودن نویسندگان از اعتبار داده‌های این پایگاه‌ها مطمئن نیستند و دوم این که دسترسی سریع به داده‌ها به علت نبود دسته‌بندی موضوعی دشوار است. گرچه در مقاله‌های مورد بررسی از ۱۲۳ مجله استفاده شده است، ولی این تعداد استناد به مجله‌ها آمار مطلوبی نیست؛ زیرا گرچه پژوهش‌های ادبی، کتاب‌محورند؛ اما استناددهی به مجله‌ها شاخص مهمی در ضریب تأثیرشان به‌شمار می‌آید.



۴. نتیجه مقاله حاضر

این پژوهش با هدف بررسی ساختار مقاله‌های مجله «نقد ادب عربی» صورت گرفت؛ چراکه مشکل اصلی در واقع نبود ساختاری جامع و یکسان برای نگارش مقالات علمی- پژوهشی می‌باشد. این سؤال مطرح بود که آیا برای ارزیابی مقاله‌های علمی- پژوهشی معیارهایی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد مقاله‌های چاپ‌شده تا چه میزان با

این معیارها هماهنگ است؟ بنابراین پس از تبیین ارزیابی ساختاری مقالات علمی- پژوهشی، پرسشنامه‌ای با هفت مؤلفه (عنوان، چکیده، مقدمه، روش، بدنه اصلی، نتیجه و منابع) تهیه و پس از تأیید روایی آن، مقاله‌های مجله را تحلیل کردیم تا وضعیت کنونی مقالات استخراج شود و ویژگی‌های آن برجسته و سپس برای برطرف شدن کاستی‌ها راهکارهایی اندیشیده شود.

- در ارزیابی عنوان مقاله‌ها وضوح با آمار ۹۱٪ از جمله مزیت‌های عناوین بود. ویژگی ایجاز در ۷۳٪ مقالات رعایت شده بود. در مقایسه با دیگر سال‌ها سال ۹۶ در دو مقوله ایجاز و مسئله‌محوری و سال ۹۷ در شاخص وضوح برجسته‌تر بود. مسئله‌محور بودن عنوان‌ها مقوله‌ای است که هم‌ت بیشتر نویسندگان را می‌طلبد (به توجه بیشتری از سوی نویسندگان مقاله‌ها نیاز هست)؛ آنچنان‌که تنها ۱۲٪ مقالات بدان توجه داشته‌اند. در این زمینه انتخاب عنوان‌های جزئی، نگارش صحیح و اصولی پیشینه و توجه نویسندگان به جنبه کارکردگرایانه موضوع پژوهش می‌تواند راهگشا باشد.

- به‌طورکلی چکیده مقاله‌ها به‌ترتیب در توجه به هدف، بیان مسئله و نتیجه پژوهش با ساختار مطلوب تطابق داشتند. آمارها نشان داد روش پژوهش و کلیدواژه در مقایسه با دیگر شاخصه‌های ارزیابی چکیده با وضعیت مطلوب فاصله دارد؛ گرچه کلیدواژه در تمام مقاله‌ها آمده اما ترتیب منطقی بین کلمات آن رعایت نشده بود. پژوهش‌نامداری (۱۳۹۷) نیز تأیید‌کننده کاستی کار نویسندگان در توجه به روش پژوهش در قسمت چکیده است.

- بررسی آماری در مقدمه مقالات بیانگر آن است که هدف پژوهش، ضرورت پژوهش و پس از آن تبیین موضوع، بیش از دیگر مؤلفه‌های ارزیابی مقدمه کانون توجه نویسندگان قرار گرفته است؛ اما بیشترین کاستی‌ها در این زمینه مربوط به نگارش صحیح و اصولی پیشینه و سپس سؤال‌های تحقیق بود؛ چراکه بیشتر مقاله‌ها

در پیشینه‌نویسی، ساختار واحدی نداشتند و پیشینه‌ها براساس تقویم زمانی یا موضوعی ارائه نشده بود؛ همچنین از دلایل این امر می‌توان به ضعف تحلیل و انتقاد نویسنده، نداشتن شناخت کافی از مسئله پژوهش و استفاده نکردن از منابع روزآمد اشاره کرد. یافته‌های این بخش از تحقیق ما از لحاظ توجه به ضرورت پژوهش با مقاله کیانی و نظری (۱۳۹۵) در تناقض بود؛ اما از منظر ضعف پیشینه‌نویسی و بیان سؤال‌های پژوهش با مقاله یادشده و همچنین پژوهش طاهری‌نیا و بخشی (۱۳۸۸) هم‌جهت بود.

- روش پژوهش بیشتر مقاله‌ها، توصیفی - تحلیلی بود که ریشه در موضوع محور بودن آن‌ها دارد و به‌نوعی با مسأله پژوهش در ارتباط است. بیشترین کاستی مقاله‌ها در روش جمع‌آوری داده‌های پژوهش و روش تحلیل این داده‌ها بود؛ علت این امر غفلت نویسندگان نسبت به روش‌شناسی پژوهش است که شامل روش و رویکرد پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل آن‌هاست. این یافته با نتایج پژوهش کیانی و نظری همسو بود.

- بررسی انطباق ساختار در بدنه اصلی مقاله با معیارهای مطلوب مقاله علمی - پژوهشی نشان داد که این قسمت منطبق با معیارهای مقاله علمی - پژوهشی بوده است. گرچه نوآوری و گویایی و نظم عنوان‌ها پایین‌ترین آمار ۶۵٪ را به خود اختصاص داده‌اند اما چنانچه نویسندگان به مسئله محور بودن موضوع، جنبه تحلیلی و انتقادی و نگارش صحیح پیشینه پژوهش توجه بیشتری داشته باشند، کاستی موجود از بین می‌رود. یافته پژوهش عسکری (۱۳۸۹) نیز بر این امر صحه می‌گذارد.

- نتیجه مقاله‌ها حکایت از آن داشت که ۵۴٪ آن‌ها پاسخ به سؤال‌های پژوهش و ۴۶٪ آن‌ها حاصل جمع‌آوری تحلیل‌های اجراشده در بدنه اصلی مقاله بودند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش در هیچ کدام از مقاله‌ها تحلیل نشده و مقایسه‌ای با پیشینه پژوهش صورت نگرفته است؛ زیرا با مقایسه نتیجه هر پژوهش با پیشینه ارتباط

منطقی بین تحقیق قبلی و تحقیق حاضر برقرار می‌شود و این امر مقدمه‌ای برای پژوهش‌های بعدی فراهم می‌آورد و تحقیق را به سمت مسئله‌محوری سوق می‌دهد. - بیشترین استناددهی به کتاب‌ها و کمترینش به پایان‌نامه‌ها اختصاص داشت که با نتیجه پژوهش علی‌نژاد چمازکتی (۱۳۹۳) همخوانی دارد؛ همچنین استناددهی به مقالات در مرتبه دوم و پس از کتاب‌ها بود که این امر یافته‌های احمدی (۱۳۹۲) و میرزایی (۱۳۸۷) را تأیید می‌کند. از مجموع ۱۵۷۹ منبع، استفاده از ۱۲۳ مقاله آمار ضعیفی است که خود بر روزآمد بودن منابع تأثیر می‌گذارد. بیشترین میزان روزآمدی در سال ۹۲ و با آمار ۲۵٪ بوده و پس از آن سیر نزولی داشته است. یافته این بخش از پژوهش ما درباره بی‌توجهی به منابع روزآمد با پژوهش طاهری‌نیا و بخشی (۱۳۸۸) همپوشانی دارد.

- نتایج پژوهش مشخص کرد که مقاله‌ها از سال ۸۹ تا ۹۴ در مؤلفه‌های ساختاری روند روبه‌رشدی داشته‌اند اما در سال‌های ۹۴ و ۹۵ این روند سیر نزولی یافته است و سپس از سال ۹۶ تا ۹۷ مؤلفه‌های ساختاری دوباره رشد قابل‌ملاحظه‌ای پیدا کرده‌اند. دو مسئله می‌تواند دلیل این توقف دوساله باشد، اول آن که در سال‌های آغازین و به‌ویژه در این دو سال، کاربران با مشکلات فراوانی در استفاده از سایت‌ها روبه‌رو بوده‌اند. از طرف دیگر در همان زمان داندلود مقاله‌های مجله رایگان نبود و کاربران باید برای دریافت مقاله هزینه می‌پرداختند. این امر سبب می‌شد تا آمار بازدیدکنندگان از مجله کم شود و در نتیجه مقاله‌های کمتری به مجله می‌رسید که نهایتاً موجب می‌شد سردبیر امکان انتخاب نداشته باشد؛ همچنین سردبیر مجله در همین مدت در دانشگاه پست اجرایی داشت و نیز به مدت یک سال در فرصت مطالعاتی بود، این دو مسئله در این روند روبه‌کاهش در سال‌های پیش‌گفته تأثیر داشته است.

- این که مجله از سال تأسیس تا سال ۹۷ روند روبه‌رشدی داشته با تغییر برخی

سیاست‌های کلان در سطح جامعه در ارتباط بوده است، تغییراتی که به تغییر نگرش پژوهشگران، سردبیران و داوران منجر شده:

الف) توجه به جنبش نرم‌افزاری در کشور و در نتیجه الکترونیکی شدن مجله‌های علمی - پژوهشی کشور.

ب) تأکید مسئولان کشور بر افزایش تولیدات علمی و انتشار آن‌ها.

ج) افزایش مجلات علمی - پژوهشی و تخصصی شدن آن‌ها.

د) دسترسی آزاد به اطلاعات علمی از طریق راه‌اندازی پایگاه‌های علمی.

هـ) توسعه شبکه‌های مجازی و دسترسی آسان به متخصصان در سراسر جهان از راه فیس‌بوک، لینکدین، تلگرام، واتساپ و... .

و) اجباری شدن چاپ مقاله در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در برخی دانشگاه‌ها.

ز) پررنگ شدن امتیازهای پژوهشی در انتخاب استاد نمونه و دانشجوی نمونه و

جذب هیأت علمی و دانشجوی دکتری و نیز در پذیرش دانشجوی ممتاز.

- در رشته زبان و ادبیات عربی تاکنون یک پژوهش (کیانی و نظری، ۱۳۹۵)

بدین شکل و البته با کمی تفاوت به‌انجام رسیده که نتایج پژوهش حاضر در

شاخص‌های سؤال، پیشینه، مقدمه و چگونگی گردآوری مواد پژوهش و تحلیل آن در

روش پژوهش با مقاله کیانی و نظری هماهنگ است. این نتایج نشان می‌دهد که

اشکال در این شاخص‌ها مربوط به مجله خاصی نیست بلکه یک مشکل اساسی در

مقاله‌نویسی در رشته زبان و ادبیات عربی وجود دارد و آن نبود ساختار واحد در نگارش

مقالات علمی - پژوهشی است. نتیجه این پژوهش در خصوص ضعف آگاهی

نویسندگان از اصول روش تحقیق با پژوهش‌های عسکری (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) که بر

بررسی بخشی از ساختار مقاله‌های علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی تمرکز کرده،

هماهنگ است؛ بنابراین باتوجه به نتیجه پژوهش، تدوین مدلی مفهومی برای ساختار

مقاله‌های این رشته ضروری است. این تحقیق پس از بررسی مقاله‌های علمی -

پژوهشی به مدل مفهومی ذیل در ساختار مقاله رسیده است:

۱. عنوان؛ ۲. چکیده؛ ۳. مقدمه (بیان مسئله، هدف، سؤال یا فرضیه و ضرورت)؛
۴. مبانی نظری و مرور پیشینه پژوهش؛ ۵. روش پژوهش؛ ۶. یافته‌های پژوهش؛ ۷. بحث و نتیجه‌گیری؛ ۸. پیشنهادها؛ ۹. منابع.

تفاوت این ساختار با ساختار موجود در مقاله‌های علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی در جداسازی پیشینه و روش پژوهش از عناصر مقدمه و نیز تمرکز بر یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها و پیشنهادهاست که در مقاله‌های زبان و ادبیات عربی برجسته نیست؛ البته برای هرکدام از این تغییرات دلایلی وجود دارد که خارج از حوزه تحقیق حاضر است.

۵. محدودیت‌ها

این پژوهش مانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. در دسترس نبودن منابع کافی برای تبیین معیارهای ارزیابی ساختاری، نبودن اتفاق نظر در معرفی معیارهای ارزیابی ساختاری مقاله‌های پژوهشی و نبود ساختار استاندارد در مقالات علمی - پژوهشی کشور که این امور پژوهشگران را بر آن داشت تا ساختاری را تعریف و براساس آن، تحقیق را به‌انجام رسانند. محدودیت دیگر به زمان بر بودن پرسشنامه در استخراج اطلاعات و درج آن در پرسشنامه برمی‌گشت. تحلیل و ارزیابی ساختاری مقاله‌ها برپایه پرسشنامه و محدودیت‌های ذاتی روش تحلیل محتوا می‌تواند بر برخی از یافته‌ها تأثیر گذاشته باشد که کوشیدیم با صرف وقت کافی و دقت نظر فراوان میزان این تأثیرات منفی را کاهش دهیم. نکته دیگری که نویسندگان را در اجرای پرسشنامه با مشکل مواجه ساخت، این بود که امکان نداشت معیارهای تفصیلی شاخص‌های تعریف‌شده در پرسشنامه که تحلیل‌ها براساس آن صورت گرفته است، در مقاله آورده شود.

۶. پیشنهادها

۱. باوجود رشد کمی مقالات علمی- پژوهشی کشور در دهه اخیر به کیفیت و ارزیابی مقاله‌ها توجهی نشده است و این موضوع خود یک خلأ پژوهشی است. پیشنهاد می‌کنیم که گردانندگان مجله به شکل دوره‌ای به ارزیابی مقاله‌ها براساس معیارهای ساختاری، محتوایی و استنادی همّت بگمارند و از نتایج پژوهش‌ها در تنظیم فرم‌های داوری و راهنمای نگارش برای نویسندگان استفاده کنند.
۲. در قسمت راهنمای نویسندگان برای برطرف کردن کاستی‌هایی که مقاله حاضر به آن اشاره کرده است، تدبیری اندیشه شود. توجه به سؤال یا فرضیه پژوهش، نگارش پیشینه‌ها برطبق تقویم زمانی یا موضوعی و تحلیل آن، تبیین روش پژوهش و علت انتخاب آن، تحلیل یافته‌های تحقیق و مقایسه‌اش با پیشینه و روزآمدی منابع و استفاده بهینه از مقاله‌های جدید برای بالا بردن ضریب تأثیر مجله از جمله مواردی است که نیاز به بازنگری دارد.
۳. مجله از نویسندگان مقاله بخواهد که پس از بیان نتیجه محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهای پژوهشی و افق‌های تازه‌ای را که مقاله به آن رسیده است تبیین کنند.
۴. بررسی پیشینه پژوهش مقاله حاضر نشان می‌دهد که تحقیقات مرتبط با ارزیابی کیفیت مقاله غالباً درباره ارزیابی استنادی و ساختاری است. پیشنهاد می‌دهیم در عرصه زبان و ادبیات عربی به ارزیابی محتوایی مقاله‌ها نیز توجه گردد.
۵. در تهیه پرسشنامه این پژوهش روشن شد که مجله‌های زبان و ادبیات عربی از ساختاری واحد برای مقاله‌های خود بهره نمی‌گیرند. درست است که دیدگاه‌های گوناگونی در باب ساختار مقالات علمی- پژوهشی وجود دارد و همین سبب شده تا نتوان با قطعیت در این خصوص نظر داد اما لازم است تا در هر رشته‌های براساس آینده‌پژوهی، برنامه‌پژوهشی مناسبی برای آن رشته تعریف گردد؛ بنابراین بررسی دقیق ساختار شکلی مقاله‌های زبان و ادبیات عربی می‌تواند آغازگر خوبی برای این رشته باشد.

۶. پیشنهادمان این است که سردبیران مجله‌ها چهارچوب مفهومی این پژوهش را بررسی کنند و در جلسه‌های هیأت تحریریه و جلسه‌های سالانه شورای سردبیران در این باره گفتگو کنند تا درنهایت، ساختاری واحد برای مقاله‌های علمی-پژوهشی زبان و ادبیات عربی ارائه شود؛ زیرا ارائه ساختار استاندارد در هر پژوهشی به‌ویژه در پژوهش‌های زبان و ادبیات عربی سبب افزایش کیفیت مقاله‌ها، حذف مباحث اضافی و بی‌ارتباط با موضوع مقاله، صرفه‌جویی در وقت نویسنده، یکدستی مقالات، افزایش دقت داور در ارزیابی و ارتباط آسان مخاطب با مقاله می‌گردد.

۷. قدردانی

در پایان مقاله لازم است از تمام استادان و همکارانی که در به ثمر رسیدن آن نقش داشتند، قدردانی کنیم به‌ویژه از جناب آقای دکتر یوسف نظری عضو هیئت علمی بخش زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز که در تهیه پرسشنامه بسیار کوشیدند و اگر تلاش و راهنمایی‌های ایشان نبود این نوشتار به‌انجامی نمی‌رسید.

منابع

- ابوالحسنی، محسن، ۱۳۸۱، چگونه مقاله علمی بنویسیم و آن را به‌چاپ برسانیم، تهران: خوشبین
- احمدی، حمید و همکاران، ۱۳۹۲، تحلیل استنادی و روابط هم‌نویسندگی مقاله‌های مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، مورد مطالعه شماره ۱-۲۰، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۹: صص ۱۷۰-۱۴۹.
- اسدی، مریم و همکاران، ۱۳۹۳، راهنمای نگارش مقاله علمی (از چکیده تا نتیجه)، تهران: کتابدار.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۱، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- حسینی، سیدحسین، ۱۳۹۶، آسیب‌شناسی نقد علوم انسانی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۲: صص ۵۴-۳۹.

- _____، ۱۳۸۹، نقد نقد، نشریه کرسی اندیشه، شماره ۹، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی.
- خاکی، غلامرضا، ۱۳۹۳، روش تحقیق در مدیریت، تهران: فوژان.
- دیانی، محمدحسین، ۱۳۷۹، پایان‌نامه، گنج ناشناخته رهاشده، مشهد: انتشارات کتابخانه رایانه‌ای: صص ۱۱۵-۱۲۷.
- رسولی‌مهستی، امیر؛ آتسانی، زهرا، ۱۳۹۰، تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی، تهران: جامعه‌شناسان.
- رضویه، اصغر، ۱۳۹۳، روش‌های پژوهش در علوم رفتاری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضی، احمد، ۱۳۹۱، پژوهش‌های مسأله‌محور در مطالعات ادبی، فنون ادبی، سال ۴، شماره ۱: صص ۱۳-۲۶.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۷۶، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- سعادت، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۶، تحلیل وضعیت ساختاری مقاله‌های پژوهشی و راهنماهای نگارش در مجله‌های علمی-پژوهشی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مجله تعامل انسان و اطلاعات، جلد ۴، شماره ۱: صص ۲۸-۴۰.
- سلیمانزاده نجفی، نیره‌السادات؛ اشرفی‌ریزی، حسن، ۱۳۹۳، ارزیابی مقالات نقد کتاب منتشرشده در مجله کتاب ماه: کلیات براساس مدل BREM، مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۴، شماره ۳: صص ۴۷۶-۴۵۹.
- صیادانی، علی و همکاران، ۱۳۹۶، تحلیل محتوایی و آماری مقاله دوفصلنامه نقد ادب معاصر عربی چاپ دانشگاه یزد، مجله نقد ادب معاصر عربی، سال ۸، شماره ۱۶: صص ۱۶۱-۱۴۱.
- طاهرینیا، علی‌باقر؛ بخشی، مریم، ۱۳۸۸، سنجش تولیدات علمی گروه زبان و ادبیات عربی در ایران، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۳: صص ۱۲۸-۱۰۳.
- عسکری، صادق، ۱۳۸۹، نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۲: صص ۹۷-۱۱۸.
- _____، ۱۳۹۰، نقدی بر مباحث فرعی و عنوان‌های داخلی مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۸: صص ۱۲۹-۹۵.
- _____، ۱۳۹۱، نقد و بررسی منابع استنادی در مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی، ادب عربی، سال ۴، شماره ۱: صص ۱۷۴-۱۵۳.

- _____، ۱۳۹۲، انتخاب موضوع و تنظیم مباحث داخلی در پژوهش‌های تطبیقی، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال ۳، شماره ۹: صص ۱۶۱-۱۳۷.
- علی‌نژاد چمازکتی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۳، بررسی شاخص‌های هم‌تألفی در مقاله‌های مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (Isc) طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۳۳: صص ۹۷-۱۱۷.
- غیبی، عبدالأحد و همکاران، ۱۳۹۷، دراسة مقالات مجلة آفاق الحضارة الإسلامية من منظور تحليل المحتوى والإحصاء من المجلد ۱۳ حتى العدد الأول من المجلد ۱۹، مجلة آفاق الحضارة الإسلامية، سال ۲۱، شماره ۱: صص ۱۳۱-۱۱۳.
- فتاحی، رحمت‌الله، ۱۳۹۸، داوری مقاله‌های علمی-پژوهشی: رویکردها، معیارها و چالش‌ها، برگرفته از پایگاه اطلاعاتی ذیل در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۷: <http://libmsp.sbm.ac.ir>
- فتوحی، محمود، ۱۳۸۵، آیین نگارش مقاله علمی، پژوهشی، تهران: سخن.
- فرامرزمکی، احد، ۱۳۸۵، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قاسمیپور، قدرت، ۱۳۹۶، آسیب‌شناسی و نارسایی‌های درسنامه‌های نقد ادبی، مجله ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۷، شماره ۱: صص ۹۵-۷۱.
- کهندل چهارمی، مرضیه و همکاران، ۱۳۹۶، دراسة مضمونية لأربعة من المجلات العربية المفهرسة فی Isc، مجلة زبان و ادبیات عربی، سال ۱۳، شماره ۲: صص ۲۳۹-۲۲۷.
- کیانی، حسین؛ نظری، یوسف، ۱۳۹۵، بررسی تحلیلی انتقادی مقاله‌های سبک‌شناسی (الأسلوبية)، مطالعه موردی مقاله‌های علمی پژوهشی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۲: صص ۲۰۱-۱۷۷.
- گرجی، مصطفی؛ رضی، احمد، بی‌تا، روش تحقیق در زبان و ادبیات فارسی، گیلان: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- منصوریان، یزدان، ۱۳۸۸، صد ویژگی یک مقاله علمی پژوهشی خوب، کتاب ماه اطلاعات ارتباطات و دانش‌شناسی: صص ۶۶-۷۷.
- _____، ۱۳۸۹، مبانی نگارش علمی، تهران: کتابدار.
- موسی‌پور، نعمت‌الله؛ علوی، حمیدرضا، ۱۳۸۸، نگارش علمی، راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- میرزایی، فرامرز و همکاران، ۱۳۸۷، تحلیلی گزارش‌گونه از مقاله‌های چاپ‌شده در مجله انجمن

- ایرانی زبان و ادبیات عربی، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰: صص ۱۸۰-۱۶۵.
- نادری، عزت‌الله؛ سیف نراقی، مریم، ۱۳۹۵، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: ارسباران.
- نامداری، ابراهیم، ۱۳۹۷، ارزیابی و نقد مقالات حوزه ادبیات عصر میانه، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۸، شماره ۴: ۲۶۵-۲۸۱.
- نظری، یوسف، ۱۳۹۶، نقد و تحلیل مقاله‌های حوزه ادبیات معاصر عربی (۱۳۸۰-۱۳۹۳): چالش‌ها و چشم‌اندازها، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴۳: صص ۱۹۸-۱۷۹.
- نمازی، محمد، ۱۳۹۷، بررسی ساختار و چهارچوب مقاله‌های علمی پژوهشی حسابداری در نشریه‌های بین‌المللی، مجله پیشرفت‌های حسابداری، دانشگاه شیراز، پیاپی ۷۵/۱: صص ۲۷۶-۲۴۱.
- نوکاربزی، محسن و همکاران، ۱۳۹۳، بررسی کیفیت ساختاری مقالات منتشرشده در مجلات علمی - پژوهشی علوم پزشکی کشور ایران در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۱، براساس دستورالعمل کمیته بین‌المللی سردبیران مجلات پزشکی (ICMJE)، مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، جلد ۲۱، شماره ۱: صص ۱۱۱-۱۲۱.
- هال، جورج. م، ۱۳۷۸، چگونه مقاله بنویسیم، ترجمه حسین خدمت، تهران: رایزن.

Abstract**Assessment from structural component of articles in criticism Arabic journal, Shahid Beheshti University**

Hosein Kiani*

Shahla Jafari**

Well-developed and valid review of published papers in journals seems to be an indispensable part of scientific journey and it certainly contributes to novelty in paper writing. In this line, a questionnaire verified by humanity and cultural studies research gate was used to critically review the content of 63 Arabic literal critiques.

Research findings show that lectures from 1389-1394 at structural components have increased greatly. But in 1394&95 decreased and then in 1396&97 structural components increased appreciably. Conformity considering of lectures structure whit desired standards in scientific-analyzing lectures shows that article structure at question part ,history research procedure and reason of selecting that , quality of collection and analysis of analyzing matters and result don t conform with scientific-analyzing article standards.

Research result indicates that authors did n t have coherent structural model. And article structure have adjusted on the base of what they have been trained. This foible can be corresponded with inattention to structural standards in academic teaching. Furthermore not to specify a structural comprehensive model of scientific-analyzing article from editors and referees also has highlighted this problem. Therefore ,this studying has suggested a structural component of scientific-analyzing articles in Arabic language and literature.

Keywords: Assessment of articles, structural component, literal critique, Shahid Beheshti University, criticism Arabic journal.

* Associate professor in Arabic language and literature, Shiraz university,Iran (Corresponding author). hkyanee@shirazu.ac.ir

** Ph.D. Student in Arabic language and literature, Shiraz university,Iran. sh.jafary90@gmail.com